

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٠٦٩٤٩

۸۷۱۱۰۱۰۸
۸۷۱۲۶



دانشگاه شیراز

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته فرهنگ و زبان های باستانی

بررسی ریشه شناسانه بخشی از واژگان لری بویراحمدی

توسط:

مسعود رضائی ییاره

کتابخانه مرکزی
دانشگاه شیراز

۵ - ۱۰۱ / ۱۳۸۷

استاد راهنما:

دکتر کتایون نمیرانیان

دی ماه ۱۳۸۵

۱۰۶۹۴۹

به نام خدا

بررسی ریشه‌شناسی بخشی از واژگان لری بویر احمدی

توسط

مسعود رضائی بیاره

پایان نامه

ارائه شده به دانشکده تحصیلات تکمیلی به عنوان بخشی از
فعالیت‌های تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته

فرهنگ و زبانهای باستانی

از

دانشگاه شیراز

شیراز، ایران

ارزیابی و تصویب شده توسط کمیته پایان نامه با درجه: عالی

امضاء اعضای کمیته پایان نامه

..... دکتر کتایون نمیرانیان، استادیار فرهنگ

و زبانهای باستانی (رئیس کمیته)

..... دکتر محمودرضا دستغیب بهشتی، استادیار

فرهنگ و زبانهای باستانی

..... دکتر فرخ حاجیان، استادیار فرهنگ

و زبانهای باستانی

شهریور ۸۴

تقدیم به

همه مردان و زنان پاک اندیش و پاک سرشتی که با دانش، خرد و کوشش
خود در راه آبادی، آزادی و سرافرازی این خاک کهن تلاش می کنند.

سپاسگزاری

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

برخود می دانم، با سپاس ویژه مساعی استاد ارجمند فرهیخته جناب آقای دکتر محمود رضا دستغیب بهشتی که هم در محضرشان آموختیم و هم از راهنمائیهایشان از آغاز تا فرجام این پایان نامه بهره‌ها بردیم را ارج نهاده و سپاسگزاری نمایم.

همچنین این پایان نامه بدون راهنمایی های عالمانه استاد ارجمند و بزرگوارم، سرکارخانم دکتر کتایون نمیرانیان، به عنوان استاد راهنما مقدر و میسور نبود. صمیمانه زحمات ایشان را سپاس نهاده و از تمامی مساعی و مساعدتهای استاد ارجمند، جناب آقای دکتر فرخ حاجیانی که با راهنماییهای به جا و اشارات ارزشمند خود مرا در مراحل پژوهش یاری و هدایت نمودند، صمیمانه تقدیر و تشکر می کنم. همچنین از کلیه عزیزانی که در تهیه مطالب این پایان نامه نقش داشته اند، از جمله همسر پرکار و صبورم، فرزندان عزیزم که سختی ها را بر خود هموار کردند تا من بیاموزم، بویژه سرکار خانم متاله و گویشوران لر زبان و همه آن کسانی که به نوعی بزل محبتی داشته‌اند، صمیمانه تقدیر و تشکر می کنم.

چکیده

بررسی ریشه شناسانه بخشی از واژگان لری بویراحمدی

بوسیله

مسعود رضایی بیاره

هدف این پایان نامه، بررسی ریشه شناسانه بخشی از واژگان لری بویراحمدی می باشد. گویش لری بویراحمدی یکی از گویشهای مناطق جنوبی کشور ایران در استان کهگیلویه و بویراحمد است. این گویش تاکنون به طور بایسته و شایسته به جز اشارات پراکنده مورد تحقیق و پژوهش ساختاری قرار گرفته است. پایان نامه حاضر تلاش می کند بررسی نظام مندی در مبحث ریشه شناسی پاره ای واژگان این گویش را انجام داده و ارتباط آنها را با زبانهای باستانی از جمله هند و اروپایی، اوستایی، پارسی باستان و پهلوی نشان دهد.

در این پژوهش نشان داده می شود که واژگان مورد بررسی یا به فارسی نو نرسیده یا اگر در فارسی نو دیده می شوند با دگرگونیهای معنایی و آوایی و یا هردو همراهند. همچنین نشان می دهد این گویش برخوردار از واژگان مستقل بسیار از زبان فارسی کنونی است که ارتباط تنگاتنگی با زبانهای اوستایی، هندی باستان و پارسی باستان و پهلوی دارند. این پایان نامه در گام نخست به بررسی ریشه شناسی واژگان اختیار شده می پردازد و در گام دوم نیز تلاش می کند به بنیانهای فرهنگی و پیشینه آئینی آن در ارتباط با فرهنگ ایران باستان اشاره کند.

کلمات کلیدی: ریشه شناسی - گویش لری بویراحمدی - زبانهای باستانی - اوستایی - پارسی باستان - سنسکریت - پهلوی - هندی باستان.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول : مقدمه.....
۱-۱-۱	موقعیت جغرافیایی ۱
۲-۱	هدف تحقیق ۵
۳-۱	خاستگاه نژادی ۶
۴-۱	پیشینه تحقیق ۷
۵-۱	روش تحقیق ۹
۱-۵-۱	پیکره زبانی ۹
۲-۵-۱	گوشوان ۹
۳-۵-۱	نحوه گردآوری پیکره زبانی ۱۰
۶-۱	اهمیت تحقیق ۱۰
۷-۱	نمونه کار ۱۱
۱۴	فصل دوم : واژه نامه.....
۱۰۴	نتیجه گیری : ۱۰۴
۱۰۵	کتابنامه : ۱۰۵
۱۰۵	الف - فارسی ۱۰۵
۱۰۶	ب - لاتین ۱۰۶

مقدمه

۱-۱- موقعیت جغرافیایی

استان کهگیلویه و بویراحمد با مساحتی حدود ۱۶۲۶۴ کیلومتر مربع در ادامه رشته کوه زاگرس بین ۳۰ درجه و ۵۹ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۳۲ دقیقه عرض شمالی، ۴۹ درجه و ۴۳ دقیقه تا ۵۱ درجه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار گرفته است.

از جنوب به استانهای فارس و بوشهر و از سوی شرق به استان چهارمحال و بختیاری از طرف مغرب به استان خوزستان محدود می گردد.

طبق آخرین آمار کل منتشره از سوی سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان، جمعیت این استان در سال ۱۳۸۳ بالغ بر ۶۹۷۶۵۴ نفر که از این تعداد ۳۴۴۵۹۳ نفر در نقط شهری و بقیه در روستاها متمرکز می باشند.

همچنین بر اساس آخرین تقسیمات کشوری دارای پنج شهرستان "بویراحمد، دنا، گچساران، بهمینی، کهگیلویه،" ۱۳ شهر و ۱۶ بخش و ۴۱ دهستان است " گزارش جمعیتی استان / سازمان مدیریت و برنامه ریزی، (۵-۱۴۲۲۲۱/۴۲۱ مورخ ۸۳/۱۲/۱۱) "

این استان از نظر آب و هوا به دو منطقه گرمسیری شامل گچساران و کهگیلویه و منطقه سردسیری شامل بویراحمد و دنا می باشد.

تعدادی از محققین برآنند که مردم لر نژاد استان کهگیلویه و بویراحمد از تبار "ماردها" یکی از ده خاندان بزرگ پارسی هستند که در خیزش کورش کبیر علیه آستیاک با وی همراه شدند. ماردها در سرزمین پارس و در همسایگی مردم : پارلینی و پاراتاکن که از نژاد ماد بودند و امروز نشان نامی آنان هنوز در سرزمینهای فریدن " پریدن" و لردگان زنده است و همچنین الیمایسها

"ایلامیان" و خوزیان و کاسیان نشیمنگاه داشتند. با نگرش به کوه نشینی و دلاوری که داشتند یونانیان آنان را سرکش و تاراجگر و راهزن نوشته اند. استرابون از سرزمین ایشان به نام (مردیا) نام می برد که همانگونه که گفته شد در همسایگی اقوام یاد شده زندگی می نمودند "مردم و سرزمینهای استان کهگیلویه و بویراحمد / مجیدی، نورمحمد، بازتاب اندیشه ۱۳۸۱".

بهرحال ماردها بر کشور آنزان " آنشان" فرمانروایی داشتند پس از تازش اسکندر سازمان قومی آنها در هم ریخت و جانشین آن قوم مردم بازرنگ که شاخه ای از همین مردم بودند گردیدند. در این استان با اینکه سده های بسیار از نابودی و در هم آمیزی نژاد ماردها با دیگر نژادهای این استان می گذرد، هنوز نامهایی زنده در نام واژگان بومی مانند رودخانه مارون " مردان" آبشار مارگون " مارگان" روستای مارگون " ماردگان" و " تیرمردان" دشمن زیاری، روستای "مارین" به نامهای سرزمین کوهمره پارس و کوه گیلویه که روشن است که "چم یا آرش" نامواژه این سرزمینها بایستی کوست ماردها " مرها" باشد " همان ص ۳۴".

بازرنگان که برخی محققین آنان را نیای مردم استان می دانند، از شاخه نژادی ماردها یا آماردها ریشه یافته که یکدسته از آنان در زمان هخامنشیان و سلوکیان تا ساسانیان در پارس پادشاهی بومی بنیاد نهادند و یک دسته در دوران اسلامی رمهای عشایری را سامان داده اند که در تاریخ و جغرافیای اسلامی به رمهای بازرنگان و رمیگان (گیلویه و کوگیلویه) نامیده شده اند.

جایگاه پادشاه این دو گروه در دره های آنزان در سرزمین بختیاری و کهگیلویه و ممسنی بوده و دسته دیگر از این مردم در سرزمین بیضا و بویراحمد جای داشته اند که برابر گزارش استخری (مسالک الممالک به اهتمام ایرج افشار ص ۱۲۲) انشان یا انشانک (anšanak) نامیده می شد و در روزگار آغازین اسلام بیضا نام یافته است.

این مردم همان قوم و نژادی هستند که در تازش سال ۳۳۰ و ۳۳۱ پیش از میلاد، هنگامی که اسکندر مقدونی با سپاهیان بزرگ یونان به کشور ایران تاخت همراه با آریوبرزن یا آریوبرزنگی (بازرنگی) راه بر وی گرفته و نبردی سخت را در تنگه های سخت گذر و کوهستانی با

وی انجام دادند.

یعقوب غفاری در تالیف خود (تاریخ اجتماعی کوه گیلویه و بویراحمد) به نقل از امام شوشتری مؤلف کتاب تاریخ و جغرافیای خوزستان در باره محل انشان می نویسد:

(این سرزمین "خوزستان شرقی" در سه هزار سال پیش به نام انزان یا انشن نامیده می شد و این کلمه تا اوایل عصر هخامنشی به کار می رفته است استرابون، همزمان اشکانیان، آن را سرزمین اوکسیها نامیده است. در جایی که رودخانه تیگرس (کارون) سرچشمه می گیرد از سرزمین اوکسیها و رود کورش (کر) که نام آن اگرارات بوده است.)

مدارک موجود نشان می دهد که سرزمین کوه گیلویه و ممسنی در عهد باستان انشان یا انزان نام داشته. رشید یاسمی در این مورد می نویسد:

"پادشاه ایلام هوبان انیمیا" (۶۸۸-۶۲۹ ق-م) لشکری بزرگ به جنگ سناخریب برده سپاه او مرکب بود از مردم انزان (ممسنی و کهگیلویه) که جزو سلطنت ایلام به شمار آمده است و اهالی پارسوماش "مقصود پارسوماش در غرب دریاچه ارومیه نیست بلکه مراد ناحیه ای در شمال خوزستان است که ظاهرا در این تاریخ در دست هخامنشیان بوده است" در حدود ۸۱۵ ق. ب پارسوا از دره های زاگرس سرازیر شده به جانب جنوب و شمال شرقی شوش کوچیدند. در شمال شرق کشور ایلام ولایتی به نام انشان مستقر شدند و این همان است که انزان خوانده اند کورش کبیر خود را پادشاه آنجا نیز گفته است محل آنران نزدیک پاسارگاد گمان برده اند ولی فعلا ممسنی و کوه گیلویه را انشان می دانند."

ولادیمیر مینورسکی در کتاب لرستان و لرها، ترجمه اسکندر امان الهی تهران، ۱۳۶۲ می نویسد:

"کهگیلویه که بین سوزیان (خوزستان) و پارس قرار دارد ممکن است همان منطقه ناشناخته انشان باشد که نیاکان کورش بزرگ از آنجا برخاسته اند."

محمود باور در این باره می نویسد:

"در دسامبر ۳۳۱ ق. م اسکندر پس از پیمودن یکصد و پنجاه مایل " فاصله از شوش خود را" به دامنه کوههای صعب العبور کوه کهگیلویه که معبر پرسپولیس شناخته می شد " تنگ تکاب" و در دست عشایر " اکسیان" بود رساند. این عشایر حتی برای آمد و رفت شاهنشاه بزرگ حق العبور می گرفتند، از عبور اسکندر ممانعت کردند و معبر تنگ تکاب و پیرزال را بر او بستند."

ابن حوقل در صورة الارض، ترجمه جعفر شعار ص ۳۹ در باره کهگیلویه چنین آورده است:

"ذکر زموم فارس و شرح آنها : زموم فارس، هر منطقه شامل قرا و نهرها بطور مجتمع می باشد. خراج هر منطقه به یکی از بزرگان اکراد " ایلات " سپرده شده است و اصلاح امور آنها و فرستادن کاروانها و نگهداری راهها و انجام دادن امور سلطان هر گاه که به این جایگاه بیاید و اجرای فرمانهایش برعهده اوست و این مناطق مانند ممالکند اما زم جیلویه ((گیلویه)) معروف به زمیجان ((زمیگان)) در پشت اصفهان است و قسمتی از ولایتهای استخر و شاپور را فرا می گیرد و از یک سو به (بیضا) و از سوی دیگر به منطقه شاپور ((بلاد شادپور دهدشت)) می رسد و همه شهرها و قرای چنان است که گویی از اعمال اصفهان است. مردم بازرنگان از اعمال اصفهان زم جیلویه اند و از زم شهریار به شمار می آیند و از ایشان هرکس که در اعمال فارس ساکن است املاک و قرای بسیار دارد."

((هاینس گابوه)) ۱۷۱۸ استاد دانشگاه توپینگن آلمان با توجه به مستندات تاریخی، حفاریهای باستان شناسی و تالیفات مورخین دوره اسلامی و سفرهای علمی خویش به سرزمین بویراحمد و کهگیلویه کتابی تحت عنوان ((ارجان و کهگیلویه از فتح عرب تا پایان عصر صفوی)) به رشته

تحریر درآورده است.

در این اثر به طور نسبی وضعیت تاریخی و جغرافیایی ایالت ارجان و زم زیمگان دوره اسلامی که شامل استان امروزی کهگیلویه و بویراحمد و بخشهای دیگری از استانهای همجوار است تا پایان عصر صفوی مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته است. حاج میرزا حسن حسینی فسائی هم در کتاب فارسنامه ناصری پیرامون بسیاری از جنبه های تاریخی از خطه و بویژه فرمانروایان ایالت فارس و ارجان مطالبی را به رشته نگارش درآورده است.

وی همچنین حدود چهارگانه این منطقه را بدین شرح به دست می دهد:

((برای اینکه وضعیت حدود و ایلات همجوار و مساحت این بخش روشن گردد لازم است. حدود اربعه آن را شرح داده و سپس آنچه بر اثر مرور زمان کاسته شده توضیح دهیم. اینکه صفور چهارگانه آن : بخش کهگیلویه از جانب شرق محدود است به نواحی ممسنی ((شولستان)) و دزکرد و سرحد شش ناحیه و از طرف شمال به نواحی بختیاری و از سمت مغرب به حدود رامهرمز و نواحی شادگان و از جنوب و حدود لیراوی و ماهور میلادی ۱۰۰۰))

مینورسکی در این باره می گوید:

«سرزمین قوم لر، در جنوب غربی ایران قرار دارد و در عهد مغول تحت عنوان لر بزرگ

و لر کوچک شناخته می شد، اما از زمان صفویه به بعد منطقه لر بزرگ به بختیاری و

کهنه گیلویه موسوم گردید.»

۱-۲- هدف تحقیق

هدف این رساله بررسی ریشه شناسی بخشی از واژگان لری بویراحمدی است. لری

بویراحمدی از گویش های جنوب غربی کشور ایران است. این گویش در مقایسه با زبان فارسی و

سایر گویش های متداول در ایران و سایر کشورهای فارسی زبان دارای ذخایر بسیار حائز اهمیتی

از نظر وجود واژگان مستقل می باشد که ریشه در زبانهای باستانی ایران مانند اوستائی، ایران باستان و ترفانی و اشکانی دارد.

تحقیق در این گویش از نظر ریشه شناسی و پیشینه تاریخی زبان به لحاظ عدم جود منابع مکتوب و سیر تحول آن کاری دشوار است لیکن با مقایسه ذخایر لغوی و نظام آوایی این گویش با زبانهای باستانی ایران می توان به این مهم دست یافت.

وجود واژگان پر تعداد و مستقل در این گویش که هم اکنون در فارسی نو نیست و یا حداقل در یک دوره تاریخی یا به تدریج از این زبان کنار نهاده شده است. اهمیت این تحقیق را در شناخت هرچه بهتر گستره زبانهای ایرانی و تاریخ آن روشن می کند.

همچنین از آنجا که گویش های محلی به شدت در حال نابودی هستند با توجه به گنجینه واژگان این گویش ها در شناخت مجهولات و مبهمات زبانهای باستانی اهمیت آن را روشن می کند به علاوه تحقیق در این زبان می تواند به بسیاری از نکات تاریک در باره خاستگاه نژادی اقوام لر و تاریخ آن کارآمد باشد. همچنین هدف این رساله حفظ گنجینه واژگان این گویش و گشودن راهی برای سایر محققین است که در این گویش به تحقیق می پردازند. از دیگر اهداف این رساله می توان به مطابقه و ریشه شناسی فرهنگ کنونی بویراحمد با فرهنگ ایران باستان اشاره کرد.

۱-۳- خاستگاه نژادی قوم لر

در باره خاستگاه قوم لر نوشته ها و گزارشهای فراوان داده شده است، دسته ای از پژوهشگران آنان را بازمانده مردم باستانی لولوبی و کاسی ساکن رشته کوههای زاگرس می دانند و دسته ای دیگر آنان را از نژاد آماردها ((مرد)) یکی از جمله طوایف ده گانه پارسی معرفی کرده اند برخی آنان را بازمانده اوکسیها ((هوزی- خوزی)) دانسته و بالاخره تعدادی برآنند که این طایفه از کوچندگان بسرزمین هند بوده که به ایران مهاجرت کرده اند.

مورخین و جغرافی دانان دوران اسلامی از جمله طبری و مسعودی از این قوم یاد کرده و آنان را در شمار تیره های ایرانی بعد از اسلام ذکر کرده اند.

نورمحمد، مجیدی (۱۳۸۱) در این باره می گوید:

((با نگرش به گزارش و گفتارهای بسیاری که در باره ریشه نژادی لرها به میان آمده نژاد باستانی مردم لر، تبار ایرانی ناب و یک دست است که به انگیزه دگرگونیهای تاریخی ویژه دوران اسلام تیره های انیرانی (غیرایرانی) مانند تازیان و ترکان در آن آمیخته شده و سرگی و ناب نژادی آنان همان گونه که در نژادهای ایرانی پیشین آمده کاسته شده که شناخت و جدایی آنان از همدیگر سخت و دشوار خواهد بود.))

خاستگاه نخستین مردم لر در نزدیکی سرزمین کنونی اندیمشک و دزفول خوزستان جایی بود که ((لور)) نام داشت و اینان از آن سرزمین به سوی سرزمینهای پارس و خوزستان و اسپهان و کهگیلویه و بختیاری کوچ نموده و لرستان بزرگ را بنیان نهادند.

جیهانی ((اشکان العالمیم، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب)) در این باره می نویسد:

«لور- شهری است با نعمت بسیار و کوههای فراوان و از حساب خوزستان بوده است

اما جدا کرده اند و در اعمال جبال لرستان آورده اند.»

در باره معنی و ریشه واژه (لر) حمداله مستوفی در تاریخ گزیده چنین آورده است:

«در ذکر حکام و اتابکان لرستان- در زبده التواریخ آمده که وقوع این اسم بر آن قوم

بوجهی گویند که در ولایت (مان رود) دهی است که آن را " کرو " می خوانند و در آن

حدود بندی، که آن را به زبان لری کول خوانند و در آن بند موضعی است که آن را "

لر " خوانند چه در اصل ایشان از آن موضوع برخاسته اند، از آن سبب ایشان را لر گفته

اند. وجه سوم آنکه شخصی که این طایفه از نسل اویند " لر " نام داشته است و قول

اول درست تر می نماید.»

۱-۴- پیشینه تحقیق

دکتر پرویز ناتل خانلری در کتاب تاریخ زبان فارسی (۱۳۴۱) در این باره می نویسد:

«در کوهستان بختیاری و قسمتی از مغرب استان فارس قبیله های بختیاری و ممسنی و بویراحمدی به گویش هایی سخن می گویند که با کردی خویشاوندی دارد، اما هیچ یک از شعبه های آن درست یکسان نیست و میان خود آنها نیز ویژگیها و دگرگونیهایی وجود دارد که هنوز با دقت حدود و فواصل آنها مشخص نشده است. اما معمول چنین است که همه گویشهای لری و بختیاری را جزو یک گروه بشمارند.»

گویش لری "بویراحمدی" در گروه گویشهای جنوب غربی به شمار می آید که زبان فارسی کنونی نیز جزو آن است. نویسندگان قدیم هرچند از این گویش در تالیفات خود نام برده اند لیکن چون دارای آثار مکتوب نبوده به تفصیل به آن نپرداخته اند:

دکتر پرویز ناتل خانلری از سویی گویش لری را همپای با گویش های کردی، گیلکی، بلوچی، مازندرانی، طالشی، تاتی، دزفولی، سمنانی و مانند آنها در زمره لهجه ها به شمار می آورد. و از سوی دیگر می نویسد: ((لهجه های لری، سمنانی، بلوچی از فارسی دری مشتق نشده اند بلکه همه آنها در عرض یکدیگر و اصل واحدی دارند که به حکم تحول زبان از آن منشعب شده و هر یک به طریقی تغییر یافته اند. (زبانشناسی و زبان فارسی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ص ۱۴۵).

ای. م. اورانسکی زبانشناس روسی (مقدمه فقه الغه ایرانی، تهران، ۱۳۷۹) در این باره می گوید:

«زبانها و (لهجه های) ایرانی جنوب غربی از لهجه های باستانی بخش جنوب غربی فلات ایران "سرزمین پارسه Parsa" ریشه می گیرد. . . .
زبان پارسی میانه که از روی آثار مکتوب دوران میانه زبانهای ایرانی

شناخته شده از یکی از گویشهای پارسی "پارسی باستانی" سرزمین پارسه Parsa ریشه می گیرد. گویش اخیرالذکر به لهجه پارسی "پارسی باستان" است که کتیبه های میخی بدان نوشته شده نزدیک است. لهجه های تاتی و لری و بختیاری و اکثر گویشهای محلی فارسی و لهجه کومزاری جزو زبانهای "لهجه های" ایرانی جنوب غربی شمرده می شوند.

اسکارمان (mann 1904) ضمن مطالعه گویشهای جنوب غربی ایران در این باره می نویسد:

«گویشهای لری در ناحیه گسترده ای، که استانهای فارس، خوزستان و همچنین غرب اصفهان را در بر می گیرد، رواج دارد و ایلات کوچ نشین لر بدانها سخن می گویند، این گویشها به چند گونه مختلف تقسیم می شوند که ظاهرا تا حدودی متناسب با تقسیم بندی ایلاتی هستند.»

۱-۵- روش تحقیق

هرچند نگارنده خود گویشور زبان مورد بررسی است. ولی برای رعایت اصول تحقیق و اصالت داده ها تنها متکی به توان خود نبوده و از وجود افرادی که گویشور اصیل این زبان در رده های سنی متفاوت و پراکندگی جغرافیایی محل اقامت هستند استفاده می کند. این تحقیق به دو روش کتابخانه ای برای استفاده از متون باستانی و انطباق آن با ریشه واژگان لری بویراحمدی و همچنین روش میدانی جهت استفاده از گویشوران این زبان بهره بوده است.

۱-۵-۱- پیکره زبانی

پیکره زبانی جمع آوری شده برای این پژوهش شامل سه بخش واژگان، جملات کوتاه و استفاده از فاکتورهای محلی است. در بخش واژگان تلاش بر آن بوده است که بیشتر واژگانی

اختیار شود که ضمن داشتن اشتراک ریشه ای با زبانهای باستانی ایران و زبانهای هندو- ایرانی و اروپایی، مورد استفاده در زبان فارسی کنونی نباشد و بتواند مختصات و ویژگیهای مستقل این گویش را بیان کند.

۱-۵-۲- گویشوان

هرچند نگارنده خود گویشور گویش بویراحمدی است، لیکن برای رعایت اصول تحقیق و اصالت داده ها تنها متکی به توان خود نبوده است. همچنانکه می دانیم گزینش گویشور امری بسیار مهم و اصلی در گردآوری گویش است. بنابراین تلاش گردیده افرادی انتخاب گردند که نماینده اصیل آن گویش باشد و حتی الامکان از افراد کهن سال که اطلاع و اشراف کامل تری بر ساختار فرهنگی و زبانی منطقه دارند استفاده گردد.

۱-۵-۳- نحوه گردآوری پیکره زبانی

روش های که در این رساله برای جمع آوری داده ها استفاده شده است شامل:

الف : روش مصاحبه: عام ترین روش در گویش شناسی روش مصاحبه و پرسیدن سئوالات از پیش تعیین شده از گویشور است. تمام جملات و واژگان استفاده شده گردآوری و آوانویسی گردیده است.

ب : استفاده از ضبط صوت برای مقایسه تفاوت لهجه و مستخرج های واجی در روستاها و پیاده کردن آنها بر روی کاغذ.

ج : استفاده از فرهنگ های لغت که در این گویش به طبع رسیده است.

د : تجزیه و تحلیل : پس از انتخاب واژگانی که در محور تحقیق هستند با استفاده از کتابهای ریشه شناسی در زبانهای باستانی و رجوع به منابع ترجمه شده و همچنین کتابهای ترجمه نشده در زبانهای باستانی به ریشه شناسی واژگان پرداخته می شود و همچنین شباهت های

بنیانهای فرهنگی در رابطه با کاربرد واژه بیان می گردد.

۱-۶- اهمیت تحقیق

زبان لری بویراحمدی، یکی از شاخه زبانهای ایرانی است که دارای خاستگاهی هند و اروپایی است. این زبان در قیاس با زبانهای فارسی که واجد بسیاری از ویژگیهای آن بخصوص در نحو است از تحول کندتری برخوردار بوده است. لری بویراحمدی نزدیکی و قرابت شگفت انگیزی با فارسی میانه پهلوی هم از منظر ذخایر لغوی و هم نظام آوایی دارد که در زبان فارسی نو دچار تحول عمیق گردیده است. این زبان همچنین گنجینه ای از واژگان زبانهای باستانی ایران مانند اوستایی، ایران باستان حتی ترفانی و اشکانی است.

تحقیق در این زبان از منظر ریشه شناسی و پیشینه تاریخی به لحاظ عدم وجود منابع مکتوب و سیر تحول هرچند کاری دشوار است لیکن با مقایسه ذخایر لغوی و نظام آوایی این زبان با زبانهای باستانی می توان تا حدودی به این مهم دست یافت.

وجود واژگان پر تعداد و مستقلی که در این زبان وجود دارد ولی در فارسی نو نیست یا حداقل در یک دوره تاریخی یا به تدریج از این زبان کنار نهاده شده است. اهمیت این تحقیق را در شناخت هرچه بهتر گستره زبانهای ایرانی و تاریخ آنها روشن می کند. از سوی دیگر با توجه به اینکه دایره استفاده از این لهجه ها هر روز تنگ و تنگ تر می گردد، و ممکن است چند نسل بعد حتی این ذخایر و گنجینه های واژگان را که در شناخت بسیاری از مجهولات متون باستانی می توانند کار آمد باشند به بوته فراموشی بسپارند، اهمیت این کار را بهتر می نمایاند.

با تحقیق در این زبان می توان حتی به بسیاری از مجهولات تاریخی در باره این قوم از نظر خاستگاه نژادی پاسخ داد.

۱-۷- نمونه کار

کنفتر Kanfter ، قلابه، جعبه ، ابزاری است دو لنگه به به همدیگر از وسط قلاب می گردند و برای حمل باد بخصوص میوه بر پشت حیوانات باربر استفاده می گردد.

اوستایی ، aka اسم مذکر، قلاب، ظرف مخصوص نگهداری مایعات، جعبه، از ریشه فعلی ایران باستان acati ، akana اسم خنثی ، جعبه، قلابه، معلاق، بویژه برای تیر (تیردان) همچنین در

آشپزخانه "بارتلومه ۴۵، ۲۲۴۶"

وندیداد، فرگرد ۱۴ بند ۹:

Zaēnāuš mat akana mat θnsas ayo . ayrāiš

یک زین با تیردان با سی (تیر) آهنین.

پهلوی : Kantir ، تیردان Kotēr

این ابزار Kanafter که امروز در استان کهگیلویه و بویراحمد برای حمل انواع بار بخصوص میوه در میان استفاده می گردد با توجه به شکل خاص خود به احتمال قریب به یقین در گذشته برای حمل تیر به واژه پهلوی Kantir در جنگ استفاده می گردیده است.

کلیچ : Klic - انگشت دست و پا که با آن اشیا و چیزها را می گیرند، چنگال ، چنگ و کلیچ تمام دستش ناخن تلیش که

va Klic tamaun ri-ša tās tliš ke

با چنگال دست تمام صورتش را زخمی کرد.

باید از رتبه فعلی اوستایی grap به معنی گرفتن باشد. همچنین واژه انگلیسی Clutch "کلاچ"

به معنی چنگک و واژه آلمانی gābel به معنی چنگال از همین ریشه باشد.

کر : ker لانه و سوراخ برخی حیوانات خزنده مانند مار و عقرب و رتیل و همچنین برخی جانوران درنده مانند گرگ و پلنگ و گراز.

هونش مس کر سگه

nunaš mas ker-e sag-e

خانه اش مانند لانه سگ است.

مس مار من کرش تپه سه

mas mār men Ker-š tap-es-e

مانند مار در لانه اش پنهان شده

اوستا : garaḍa اسم. سوراخ بعنوان خانه و مخفیگاه جانوران دیوی "بارتولومه ۵۲۲"

سنسکریت : grha- درون خانه و اتاق

پهلوی : gristak "سوراخ خرفستران"

کته : kata اتاقک : اتاق کوچک که در پشت خانه اصلی جهت انبار ارزاق و اشیا استفاده می شود.

حس مشک افتای من کته

mas mošk oftāye men kata

مانند موش که افتاده در کته

اوستا : Kata اسم مذکر - اتاقک - انبار ، که به منظور قرار دادن اجساد مورد استفاده قرار

می گرفت "بارتلومه ۴۳۲"

وندیداد، فرگرد ۵ بند ۱۱:

۱۱- ای دادار چه اندازه باشد آن کته ها برای مرده؟

پس گفت اهورامزدا : که آن به بلندی [یک مرد در حال] نشسته [باشد چندان که] سر (به سقف

کته) بر نخورد (و) مدخل آن (چندان که) نه از دو پا نه از دو دست با آن (برنخورد) زیرا کته ها

(باید) باشد با قانون شرع (ساخته شده) برای مرده. "رضی هاشم، وندیداد ج، ۲، ۵۵۱، ۲۲)

پهلوی : Katak

فارسی نو : Kad به معنی خانه در واژگانی مانند کدخدا، کدبانو و نیز دانشکده - دهکده